

سکوت ترس*. سیمون آرو. ترجمه هاله رجایی

۱۳۵ دریا، موضوع انتخابی و گزینش شخصی است که هرگز دریا را دوست نداشته است.

دریای شومی که محل آمد و شد دریانوردان گمشده، دزدان دریایی شیخ نما و مکان تجمع و انتشار خرده ریزهای زنگ زده‌ای است که آب آنان را به همراه خود می‌آورد؛ محل جمع شدن انبوه مه غلیظی که باعث خفگی و خاموشی صداها گشته و بالاخره مکانی است برای گشت کشتی‌هایی که همانند کف سفیدند.

ویلیام هوپ هاجسن، یکی از استادان خیالباف و نویسندگانه‌ی رازدار است که لاوگرافت به او تأسف خورده و از او این چنین یاد می‌کند «به ندرت نویسندگانی هستند که بتوانند با هاجسن برابری کنند. کسی که خشونت را بدون اسم و موجودات عجیب الخلقه را بسیار نزدیک به اشارات اتفاقی و شرح و بسط‌های بدون اهمیت به تحریر درآورده است.»

هاجسن، متولد سال ۱۸۷۵ و یابه روایتی ۱۸۷۷ در قلمرو اسکس است. زاده شبانی است که در عنفوان جوانی خانواده را به قصد پیوستن به نیروی دریایی رها کرده. او دارای جثه‌ای نحیف و چهره‌ای بسیار معمولی بود که پیشه دریانوردی برمی‌گزیند و

مدت ۸ سال را در دریا به روی آب هاسپری می‌کند. در این مدت، سه بار دور دنیا را گشته و خاطراتی ترسناک از این سفرها به دست می‌آورد. پس از مدتی که این حرفه را دنبال می‌کند به یکباره خود را تحت نفوذ و سلطهٔ صاحب منصب و دریاداری می‌بیند که در نهایت منجر به یاغی شدن او می‌شود و به دلیل زندگی سخت و نفرت‌انگیز و بدون امیدی که داشته، دیگر هرگز به دریا باز نمی‌گردد.

در بازگشت به زندگی غیرنظامی خود به ورزش روی می‌آورد و در سال ۱۹۰۲ سالن ورزشی تأسیس می‌کند. هم‌زمان با ورزش، حرفهٔ نویسندگی را نیز شروع می‌کند و پس از گذراندن دهه‌ای پر بار که در آن، دورهٔ ۱۴ جلدی رمان و حکایات و دو مجموعه شعر به چاپ می‌رساند به همراهی همسر خود جنوب فرانسه را برای اقامت برمی‌گزیند و سرانجام در سال ۱۹۱۸ جهان را بدرود می‌گوید.

از نقطه نظر هاجسن «آب»، همیشه به آمد و شد و دست و پا زدن خود ادامه می‌دهد. جلبک‌های دریایی به هم تنیده شدهٔ سطح آب، دام و تلهٔ نفرت‌انگیزی برای انسان هاست و دریادار اعماق خود مخلوقات حریصی را پنهان می‌کند.

۱۴ حکایت در کتاب (La Chose dans les algues) بیانگر هول و هراس و انزجار از دریا است که علی‌رغم تمامی این نگرانی‌ها، در آن دریا بسیار عاقل و فرزانه شروع به خودنمایی می‌کند.

یکی دیگر از عوامل ترس که بسیار مشهود است سکوت است همانند سکوت غواصان. سکوت بزرگ فجر و یا سکوتی که از دریا برمی‌خیزد. سکوتی که با کوچکترین صدایی آشفته و پریشان خاطر می‌شود مثل صدای یک سایش، طنینی کوچک و حتی صدای ضعیف یک تاپ و تاپ و تاپ. فریاد خفه‌ای که نمی‌دانیم آیا به انسانی متعلق است یا چیزی!

فلاکت، ذلت و ترس دنیای گیاهان دریایی باعث زجر و فشار روحی بیشتر چهره‌های با شهامت می‌شود. اضطرابی که جلبک‌ها و گیاهان دریایی به وجود می‌آورند، گاهی اوقات غیرقابل تحمل‌اند، مثل داستان «اسب‌های دریایی». حکایت بسیار ساده و بدون تأثیری خاص، از پسر بچه‌ای که برای دوباره زندگی بخشیدن به اسب دریایی که پدر بزرگ غواص او ساخته بود به قعر دریایی رود.

یکی دیگر از عوامل ترس که بسیار مشهود است، سکوت است. همانند سکوت غواصان، سکوت بزرگ فجر و یاسکوتی که از دریا برمی خیزد، سکوتی که با کوچکترین صدایی آشفته و پریشان خاطر می شود. مثل صدای یک سایش، طنپینی کوچک و حتی صدای ضعیف یک تاپ و تاپ و فریاد خفه ای که نمی دانیم آیا به انسانی متعلق است یا چیزی!

خانه ای در این دنیا حکایتی است که بر محور آب شناور است، اما آب در گوشه و کنار آن عهده دار نقشی است. خانه ای که معلق بر روی گودالی است. این خانه آخرین مرحله سکوت است. دستخط های پیدا شده بیانگر داستان هولناک ساکنینی است که احساس ترس برای آنان احساسی غیر قابل تحمل است.

۱۳۷

زوج سالخورده ای همراه با گوینده داستان، خواهرش و یک سگ مدتی در ایرلند در خانه ای بس عجیب و ترسناک و وحشتناک زندانی شده اند.

خانه ای جهانی که در آن داستان سرا با بینشی جهانی به دنیا و مردم بیرونی سفر کرده، سفری بین زمان و مکان که به احتضار دنیا منجر می شود.

سکوت، همیشه پیام آورنده تهدید و ترس است. در ظاهر همه چیز ساکت است... ساکت... ناگهان صدای بیرحم و سنگین افتادن چیزی... مثل تکه های آجر قطعه قطعه شده تمامی سکوت را برهم می زند. حتی سکوت سنگینی که ساییدگی قلم، آن را خفه می کند.

خانه ای در این دنیا داستان اغتشاش و بی نظمی تنهایی و ترس در کنار دیوانگی و یارو یازاز نقطه نظر لاوکرافت، شاهکار این نویسنده خیال پرداز و رازناک است. ♦ ♦

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تاسیسات علوم انسانی